

درباره نقاشی‌هایی که طی دوره های مختلف تاریخی در مرمت‌های حرم مطهر رضوی زیر لایه‌هایی از گچ‌کاری ها و آینه‌کاری‌ها فراموش شده‌اند

نقش‌های پنهان آستان شمس الشموس (۴) چهارشنبه‌های مطلا

زهرا زنگنه| امروز اگر از تزئینات حرم امام رضا^(ع) سخن بگوییم، کمتر کسی نقاشی را در شمار نخستین عناصر تصویری آن به یاد می‌آورد؛ آینه‌کاری، کاشی، گچ‌بری و کتیبه‌ها چنان بر سیمای حرم غلبه کرده‌اند که گویی رنگ و نقاشی همیشه در حاشیه این مجموعه بوده است. با این حال، شواهد معماری و گزارش‌های تاریخی، تصویری متفاوت ارائه می‌کنند؛ نقاشی از سده‌های دور در آرایش فضاهای حرم حضور داشته و بخش زیادی از آن تنها به دلیل تغییرات و تزئینات دوره‌های بعد از دید پنهان مانده است. مرحوم عبدالحمید مولوی، پژوهشگر، باستان‌شناس و خراسان‌شناس شهید کشورمان در بررسی لایه‌های تزئینی بقعه مطهر، از وجود نشانه‌هایی از یک لایه نقاشی روی نخستین نمای آجری بنا سخن گفته و احتمال انتساب آن به دوره آل بویه را مطرح کرده است. همچنین در لایه گچی زیر آینه‌کاری‌های حرم، آثاری از نقاشی‌های رنگین و ظریف شناسایی شده که احتمال اجرای آن‌ها در دوره صفوی مطرح شده است. این شواهد البته برای نسبت دادن قطعی همه این لایه‌ها به یک دوره کافی نیست، اما در کنار منابع تاریخی، از قدمت استفاده از هنر نقاشی در این ابنیه متبرکه خبر می‌دهند.

- از لاچورد و طلا تا نقش‌های گیاهی

یکی از روشن‌ترین دوره‌ها برای شناخت جایگاه نقاشی در معماری خراسان، دوره تیموری است. در این دوره، استفاده گسترده از رنگ و نقش در بناهای مذهبی، روح‌داشت‌وگزارش‌های تاریخی از آرایه‌های اسلیمی و ختایی در بناهای پیرامون حرم خبر می‌دهند. دارالحفاظ، مسجد گوهرشاد، مدرسه پریزاد و مدرسه دودر از جمله بناهایی هستند که نشانه‌هایی از این سنت تزئینی را در خود داشته‌اند.

این سنت در دوره صفوی نیز ادامه یافت. عالم‌آرای عباسی هنگام شرح اقدامات شاه‌عباس اول پس از بازپس‌گیری مشهد، از «نقاشی و زیب و زینت حرم، یاد می‌کند. گزارشی دیگر از منجم یزدی نیز به ایجاد روزنه‌هایی در گنبد برای خروج دود و تجدید نقاشی‌های فضای داخلی اشاره دارد؛ نشانه‌ای که نشان می‌دهد در آن زمان نقاشی همچنان

بخشی از تزئینات حرم بوده است.

- تاریخ نقاشی را باید در اسناد خواند
- از دوره‌های افشاری و قاجاری، اطلاعات دقیق‌تری درباره این هنر در اختیار داریم. اسناد تعمیرات حرم از موادی مانند لاچورد، زنگار، سرنج، سفیداب، طلا و طلای کهنه نام می‌برند و نشان می‌دهند نقاشی در بخش‌هایی چون روضه منوره، دارالسیاده، دارالحفاظ و شماری از ایوان‌ها و گنبدهای تاریخی اجرا یا در دوره‌های بعد مرمت می‌شده است.

با این حال، بسیاری از این آثار دیگر در معرض دید نیستند. تغییر پوشش سطوح، بازسازی‌های دوره‌ای و به‌ویژه گسترش آینه‌کاری در دوره قاجار، باعث شد شماری از نقاشی‌های قدیمی زیر لایه‌های جدید قرار بگیرند. به همین دلیل، امروز اسناد، سفرنامه‌ها و بررسی لایه‌های معماری‌گاه بیش از آنچه چشم‌زائر می‌بیند، درباره تاریخ این هنر در حرم سخن می‌گویند.

درباره استادانی که با آثارشان در دور ه‌های مختلف تاریخی، دیوارها، گچ‌بری‌ها، کتیبه‌ها و آرایه‌های حرم امام رضا^(ع) را بارنگ و نقش آراستند

هنرمندانی که حرم را بارنگ و نقش آراستند



زهرا زنگنه| در میان نام‌هایی که در تاریخ هنر حرم مطهر امام رضا^(ع) باقی مانده، بعضی چنان در گذر زمان کم‌رنگ شده‌اند که امروز شاید کمتر کسی بدانند چه بخشی از این بارگاه، روزگاری حاصل کار دست آنان بوده است. با این حال، اسناد آستان قدس رضوی نشان می‌دهد نقاشی در حرم تنها یک کار فرعی و محدود به رنگ‌آمیزی دیوارها نبوده است. نقاشان، از پوشاندن ساده سطوح و درگاه‌ها گرفته تا اجرای نقوش رنگین، تذهیب، نقاشی روی سنگ و در دوره‌های متأخر تر نقاشی پشت آینه، در بخش‌های مختلف بنا حضور داشته‌اند.

- ارزیابی هنر نقاشان به دست معماران و

زرگران اسناد آستان قدس تصویری جالب از ساختار کاری نقاشان به دست می‌دهند. این گروه از هنرمندان معمولاً زیر نظر معماریاشی فعالیت می‌کردند، مشخصات کار و میزان دستمزد را از او دریافت می‌کردند و پس از تأیید او دستمزدشان پرداخت می‌شد. حتی برای برآورد برخی نقاشی‌های نفیس، از استادان زرگر کمک گرفته می‌شد، موضوعی که نشان می‌دهد در بعضی پروژه‌ها، ارزش‌گذاری کار نقاش به اندازه‌ای تخصصی بوده که نیازمند ارزیابی هنرمندان رشته‌های وابسته بوده است. کار نقاشی در مقیاس‌های بزرگ نیز نیروی انسانی توجیحی می‌خواست. برای برخی کارهای گسترده و ساده، چند استادکار و شمار زیادی شاگرد و کارگر در یک محل مشغول می‌شدند. در نتیجه، پشت یک سطح نقاشی شده که شاید امروز تنها یک آرایه ساده به نظر برسد، شبکه‌ای از استاد، شاگرد و کارگر قرار داشته است. علاوه بر این اسناد تعمیرات حرم هم حتی از موادی چون طلا، طلای کهنه، آستر مطلا، سرنج، سفیداب، زنگار و لاچورد نام می‌برند، موادی که نشان می‌دهد بخشی از این فعالیت‌ها با تکنیک‌های ظریف و پرهزینه انجام می‌شده است. البته بسیاری از اصطلاحات فنی این اسناد امروز ناشناخته یا مهجورند و نمی‌توان با قطعیت درباره همه شیوه‌های اجرایی آن‌ها داوری کرد. آنچه روشن است، این است که نقاشی در حرم رضوی هنری وابسته به یک دوره یا یک شیوه مشخص نبوده و در طول چند قرن، شکل‌های گوناگونی پیدا کرده است.

در ادامه به معرفی برخی از نقاشان و هنرمندانی می‌پردازیم که نام آنان در این اسناد ذکر شده است.

- آقا حسن؛ نخستین نام شناخته‌شده

یکی از قدیمی‌ترین هنرمندانی که به طور مشخص با نقاشی در حرم مطهر پیوند خورده، آقا حسن نقاش هراتی است. قاضی احمد منشی قمی در گلستان هنر او نقاشی از هرات و از هنرمندان برجسته روزگار خود

معرفی می‌کند و می‌نویسد که به دستور محمدخان شرف‌الدین تکلو، حاکم خراسان، در میانه قرن دهم هجری، داخل روضه منوره را نقاشی کرد. این گزارش نشان می‌دهد در این قرن، نقاشی هنوز یکی از شیوه‌های فعال تزئین فضای داخلی حرم بوده است. آقا حسن حتی نشانی هم از خود در این فضا به جا گذاشت. بر اساس روایت قاضی احمد، بینی در ارتباط با نام او واردتش به امام رضا^(ع) در برابر ضریح و بر فراز محراب نوشته شد؛ «حسن به گرد درت گشته بر طریق طواف / تو کعبه وار همه حاجتش روا کرده». همین امضا، نام یک نقاش را از میان انبوه هنرمندانی که در طول تاریخ در ساخت و آرایش حرم مشارکت داشته‌اند، به امروز رسانده است.

- نقاشان عصر افشار؛ از طلاکاری تا آرایه‌های بنا
- در دوره افشاری نیز نام نقاشان در اسناد تعمیر و تزئین حرم دیده می‌شود. اسماعیل خان اصفهانی از جمله هنرمندانی بود که اجرای نقاشی‌های نفیس و طلاکاری داخل حرم به او سپرده شد. در این دوره، کار نقاش صرفاً کشیدن نقش بر سطح دیوار نبود، رنگ، طلا و تذهیب در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند و برای آرایش فضاهایی که اهمیت بیشتری داشتند به کار می‌رفتند.

محمد صالح بیگ و اسماعیل بیگ نقاش نیز از دیگر هنرمندان این دوره بودند که نامشان در ارتباط با تعمیر و تزئین بخش‌هایی همچون دارالسیاده و دارالحفاظ آمده است. گاهی کار به صورت مشترک میان آن‌ها تقسیم می‌شد و گاهی هر یک به تنهایی مسئول اجرای بخشی از پروژه بودند. گسترده‌گی چنین کارهایی باعث می‌شد نقاش اصلی تنها نباشد و از استادکاران و شاگردان نیز کمک بگیرد.

- محمد باقر مذهب‌باشی؛ هنرمندی میان نقاشی و تذهیب

در دوره قاجار، اسناد نام محمد باقر مذهب‌باشی را در میان هنرمندان مرتبط با آستان قدس ثبت کرده‌اند. عنوان

«مذهب‌باشی» خود نشان می‌دهد که فعالیت او در محدوده تذهیب و آرایه‌های ظریف هنری قرار داشته است؛ حوزه‌ای که در فضای حرم از نقاشی جدا نبود و رنگ، طلا، نقش و خط در بسیاری از آثار در کنار هم قرار می‌گرفتند. از محمد باقر مذهب‌باشی تنها ردپای فعالیت او در اسناد آستان قدس باقی مانده است. آثاری از او در مجموعه‌های هنری خارج از حرم نیز شناخته شده‌اند و نمونه‌هایی از کارهای لاک‌ی او در مجموعه آثار ناصر خلیلی نگهداری می‌شود. همین آثار نشان می‌دهد که فعالیت او رانمی‌توان تنها به کارهای ساختمانی و مرمتی حرم محدود کرد و با هنرمندی رو به‌رو هستیم که در هنرهای تزئینی ظریف نیز فعالیت داشته است.

- سید محمد رضا و گل‌ومرغ پشت آینه

یکی دیگر از نام‌های دوره قاجار سید محمد رضا نقاش است؛ هنرمندی که در سال‌های پایانی عمر خود به مشهد آمد و از تزئینات آینه‌کاری حرم مشارکت داشت. از ویژگی‌های قابل توجه کار او، اجرای نقاشی گل‌ومرغ در میان آینه‌کاری‌های داخل مرقد مطهر است؛ آثاری که با امضای «یا امام رضا» همراه شده بودند.

ورود نقاشی گل‌ومرغ به فضای آینه‌کاری، نمونه‌ای از همان تغییری است که در دوره قاجار در شیوه حضور نقاشی در حرم اتفاق افتاد. نقاشی دیگر الزاماً یک دیوار کامل را در اختیار نداشت، بلکه می‌توانست در کنار آینه، گچ، چوب و دیگر عناصر تزئینی بنشیند و جزئی از یک ترکیب پیچیده‌تر باشد.

- میرزا حسین؛ نقاش‌باشی آستانه

در میان هنرمندان دوره متأخر قاجار، میرزا حسین نقاش‌باشی جایگاه مشخص‌تری دارد. سند حکم نقاش‌باشی و مذهب‌باشی او در آستان قدس رضوی باقی‌مانده و نامش در کتیبه‌های حجره‌های صحن انقلاب نیز دیده می‌شود. در این کتیبه‌ها، نام او با صورت‌هایی مانند «حسین الموسوی نقاش‌باشی آستانه مبارکه»، «میرزا حسین نقاش‌باشی» و



این نگاره در ایوان تلگرافخانه صحن آزادی قرار دارد.

برخی رواق‌ها و فضاهای جدید ادامه یافته است. شاید به همین دلیل، تاریخ نقاشی در حرم رضوی را نباید فقط در آثاری جست‌وجو کرد که هنوز روی دیوار دیده می‌شوند؛ بخشی از این تاریخ، پشت همان لایه‌هایی پنهان است که امروز خودشان بخشی از هویت معماری حرم به شمار می‌روند.

با این همه هنر نقاشی به طور کامل در نمای حرم مطهر ناپدید نشد. در دوره‌های متأخر، شکل حضور آن تغییر کرد و در کنار آینه‌کاری، گچ‌بری و دیگر آرایه‌ها به کار رفت. نمونه‌هایی از نقاشی‌های تزئینی در برخی ایوان‌ها و فضاهای حرم در دوره قاجار و پهلوی دیده می‌شود و در دوره معاصر نیز رنگ و نقش در طراحی و اجرای



نوشا از هنرمندانی مرحوم رضوان در حرم مطهر رضوی

«حسین النقاش‌باشی» آمده است. نکته مهم درباره این کتیبه‌ها آن است که نام نقاش‌باشی در کنار نام کتیبه نویس، مثبت‌کار و معمارباشی قرار گرفته است. این هم‌نشینی به خوبی نشان می‌دهد که آرایه‌پردازی حرم کاری گروهی بوده و نتیجه نهایی، حاصل همکاری چندین تخصص هنری و فنی بوده است. از میرزا حسین همچنین اثری در یک کتیبه از حجره‌های صحن نو باقی مانده که در آن نام «حسین الموسوی نقاش‌باشی آستانه» در کنار نام محمد موسوی صنیع‌التولیه ثبت شده است. نام حسین الموسوی البته تنها به فضای حرم محدود نمی‌ماند. یک نمونه جالب از فعالیت او در خارج از مجموعه معماری حرم، به روزنامه مشهدی «ادب» مربوط است؛ کاریکاتوری که در سال ۱۳۲۰ قمری منتشر شد و با نام حسین الموسوی، نقاش‌باشی آستان قدس رضوی، همراه بود. این نمونه نشان می‌دهد که دامنه فعالیت هنرمندی با این عنوان می‌توانست از تزئینات معماری فراتر رود.

- محمد حسن رضوان؛ پیوند سنت و روزگار جدید

با دگرگونی ساختار اداری آستان قدس در دوره پهلوی دوم، عنوان رسمی نقاش‌باشی دیگر ادامه پیدا نکرد. اما این به معنای پایان حضور هنرمندان نقاش و طراح در حرم نبود. محمد حسن بیگویی، معروف به رضوان، از چهره‌های شاخص این دوره بود، هنرمندی که در خوش‌نویسی، طراحی نقوش سنتی، تذهیب، نقاشی و معرق فعالیت داشت و آثار فراوانی از او در مجموعه آستان قدس باقی مانده است. منابع موجود او را هنرمندی چندوجهی معرفی می‌کنند که در کنار نقاشی و طراحی، در کتیبه‌نویسی نیز فعالیت گسترده‌ای داشت. حضور چنین هنرمندانی نشان می‌دهد که سنت تزئین هنری حرم، حتی پس از کنار رفتن عناوین سنتی، ادامه پیدا کرد، تنها ساختار سفارش و شیوه فعالیت هنرمندان تغییر یافت.

اخبار قدیمی

گزارش دردناک روزنامه آزادی از وضعیت مهم‌ترین بنای تاریخی

کلات نادر در سال ۱۳۳۷

روزگار بیچارگی «کاخ خورشید»



مصطفی بسطامی| مرداد ۱۳۳۷نامه‌ای از سوی یکی از خوانندگان روزنامه آزادی به این جریده رسیده که دو بخش دارد. نگارنده که خودش را در پایان نامه محمد رفیعی معرفی کرده، از خرابی کاخ خورشید در بی‌توجهی مسئولان گفته و این‌طور نوشته است: «توجه به آثار باستانی و تعمیرات آن مورد توجه و لزوم می‌باشد تا این آثار از بین نرود ولی متأسفانه هنوز اقدامی برای اصلاح و تعمیرات قصر خورشید نادری به عمل نیامده و روز به روز به خرابی آن افزوده می‌شود.»

رفیعی در سطر بعدی نامه اتفاقی دردناک را شرح داده و گفته که مردم وقتی می‌خواهند خانه بسازند، از مصالح کاخ استفاده کرده و سنگ‌های حجاری شده کاخ خورشید کلات را برمی‌دارند و در قسمت‌های مختلف خانه‌شان استفاده می‌کنند؛ «سنگ‌های حجاری شده و آجرهای موجود از طرف بعضی ساکنین کبود گنبد در موقع ساختمان‌های شخصی بدون اجازه و مجرمانه از مصالح استفاده می‌شود به طوری که در اغلب ساختمان‌های شخصی آثار آن معلوم است که در موقع تغییر یعنی تعمیرات اساسی که به صورت اول در آید تمام این سنگ‌ها باید به پای ساختمان قصر برگشت داده شود. بیچاره و بی‌کس قصر خورشید کلات است که از نظر جغرافیایی باید در قلب کوه‌های صعب‌العبور کلات قرار گرفته و چون راه کلات خوب نیست و پس از سلطنت نادرشاه توجهی به آن نشده، به این صورت درآمدہ است.»

او سپس کاخ خورشید را با تخت جمشید مقایسه کرده و از مسئولان خواسته که برای این کاخ نیز بودجه مرمتی در نظر گرفته شود. او در ادامه از مصالحی می‌نویسد که می‌شود برای بازسازی کاخ از آن استفاده شود: «باید پس از تعمیرات اساسی و محصور نمودن دیوارهای باغ، مستخدم جدی برای نگهداری آنجا لازم است که این آثار با عظمت حفظ گردند تا در آتیه سیاحان ایرانی و خارجی طبق آثار باستانی تحت جمشید که شبیه است، دیدن نمایند و برای اطلاع عرض می‌کنم بسیاری از مصالح ساختمانی که عبارت از سنگ‌های حجاری شده و آجر می‌باشد، در پای قصر موجود است و باید از زیر خاک‌ها بیرون آورده شود و سنگ‌هایی هم که اشخاص برده‌اند از منازل و دکاکین جمع‌آوری شود. فقط هزینه بنا و عمله و مختصری کسری مصالح لازم دارد که آن هم از سربازخانه‌های قلعه خشت (روستایی در مجاورت کلات) که سنگ‌های حجاری شده زیاد است و حضوراً مشاهده شده، جمع‌آوری کرده و به پای قصر بیاورند. وسایل گچ مثل گچ تبادکان و سنگ هم در نزدیک‌ترین محل موجود است. البته جدیت و ابتکار عمل و فن معماری کار آرموده لازم است و اگر تعمیرات ماست مالی شده و غیر از وضع ساختمان اولیه آن باشد، بی فایده است.»

مطلب دومی که رفیعی در نامه‌اش به آن اشاره می‌کند، جاده، تلفن جاجرغ و آسفالت طرقه است. او همچنین درباره سیلی می‌نویسد که یک ماه پیش خرابی‌هایی را به بار آورده اما هنوز کسی برای رفع خرابی‌ها کاری نکرده است؛ «در یک ماه قبل سیل عظیمی قریب یک صد باغ از باغات جاجرغ را خراب نموده است. البته اهالی برای اصلاحات آن خودشان مشغول اقدام هستند ولی قسمت جاده به خصوص از عنبران که داخل رودخانه جاجرغ می‌شویم، بریدگی‌های زیادی در اطراف رودخانه مشاهده می‌شود و برای ایاب و ذهاب اتومبیل‌ها و تنگی جاده خیلی سخت شده است. به قرار اطلاعی که کسب شده چون جاده در مسیر باغات اشخاص قرار دارد، صاحب باغ باید مسیر باغ خود را با سنگ چین مرمت نماید تا جاده اصلاح شود. در مواقعی که جمعیت برای گردش به جاجرغ رو می‌آورند، خیلی ناراحت هستند و ایاب و ذهاب سخت است. در قسمت تلفن اهالی جاجرغ نیز استدعای کشیدن سیم تلفن را دارند و حاضرند نسبت به مصرف تیرهای آن با عنبران تشریک مساعی نموده و تیرهای مصرفی آن را به شرکت تلفن استان نهم تقدیم دارند. بیش از این تصدیع نمی‌دهد و از اینکه وقت جناب‌عالی را برای مطالعه این تقاضا گرفته، عذر می‌خواهم.»

تاریخ نگار

مُهر خاتم منسوب به اولین نایب خاص امام‌زمان (عج)



اردلان تصویری که می‌بینید، مُهر خاتم منسوب به اولین نایب خاص امام‌زمان ^(عج) است که اکنون بیش از یک دهه است که در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این مُهر که در ابعاد ۲٫۲ سانتی‌متر و از جنس عقیق یمن است، به همراه یک نامه در سال ۱۳۹۳ توسط شهید نصرالله به رهبر معظم انقلاب اهدا شده است. او معتقد بود، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای نایب حضرت ولی‌عصر^(عج) بوده و شایسته است این انگشتر نزد ایشان باشد. حضرت آقا نیز پس از چندماه که این انگشتر را نزد خود داشتند به آستان قدس رضوی اهدا کردند. هم‌اکنون این انگشتر در گنجینه هدایای ایشان نگهداری می‌شود.

در بخشی از نامه تقدیمی شهید سید حسن نصرالله نیز چنین آمده است: «این انگشتر دارای یک عقیق یعنی سبز است و روی آن این جمله بدون نقطه تراشیده شده است: «عدتی یوم الوعد (یا لیوم الوعد) عثمان بن سعید» صاحب آن که یک متخصص سنگ‌های قیمتی است، می‌گوید، سنگ و نقش آن را در لندن آزمایش کرده و معلوم شده است که مربوط به زمانی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ قمری است و می‌گوید که این سنگ و مُهر متعلق به اولین نماینده مولای ما صاحب‌الزمان ^(عج)، عثمان بن سعید عمری است اما انگشتر نقره آن ساخت هدیه‌کننده آن یعنی صاحب انگشتر است.

صاحبش آن را یک سال گذشته نزد من امانت گذاشته و چند وقت پیش هم آن را به من هدیه داد که اگر بتوانم به جان و عمرم، آقا و مولایم حضرت امام خامنه‌ای (روحی فداه و اطال الله فی عمره الشریف) تقدیم کنم، قطعاً آن را با رضایت و سیاس انجام خواهم داد. هدیه می‌کنم آنچه را که چه بسا مُهر واقعی و نقشی از سفیر امام باشد، به نایب امام در این زمان و از او پذیرش این هدیه و دعا را می‌طلبم.»